



مقصود فراستخواه

"برنامه درسی مستور و معکوس" در آموزش و پرورش امروزی ایران

بیان مسأله

در آموزش و پرورش ما مشکل بزرگی وجود دارد که باید به مثابه مسأله‌ای ملی مورد توجه و تامل جدی قرار بگیرد. نظام رسمی آموزشی کشور بنا به ماموریت‌های خودخواسته ایدئولوژیکه می‌خواهد با دانش‌آموزان و بر روی دانش‌آموزان کار کند، ولی از بسیاری جهات نتیجه عکس می‌گیرد، چون دانش‌آموزان نیز با او بازی می‌کنند. چرا چنین است؟ برای این که دانش‌آموزان الواح سفید نانوشت‌های نیستند که به صورت خطی و ساده و منطبعانه پذیرای آسان برنامه‌های رسمی تعلیم و تربیت شوند. آنان در محیط‌های متحول اجتماعی و رسانهای در ابعاد ملی، منطقه‌ای و جهانی به سر می‌برند، چشمی به تخته سیاه‌ها و دیوارها و متون رسمی دارند ولی ربط‌های متعددی به زیست جهان اجتماعی بیرون، به اطلاعات و ارتباطات، به رسانه‌ها، به اینترنت، به گروه دوستان و همالان، به فرهنگ کوچک و بازار، خرده‌فرهنگ‌ها و روابط غیر رسمی دارند.

جمعیت ایران، هنوز هم که هنوز است، جوان و آموزش‌پذیر است. قوس جمعیت دانش‌آموزی کشور در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ بعد از انقلاب تا ۱۸ میلیون نفر اوج گرفته؛ برغم روند کاهش، هنوز حول و حوش ۱۳ تا ۱۴ میلیون نفر، یعنی حدود یک پنجم کل جمعیت کشور، به عنوان دانش‌آموز در مدارس ثبت‌نام می‌کنند و در حساس‌ترین سنین اجتماعی شدن و در گذاری خطیر از تحولات دورانی در سطح جهانی، به نظام آموزش و پرورش سپرده می‌شوند. کارشناسان از یک روند هذلولی در کوه جمعیتی دانش‌آموزی ایران بحث می‌کنند که بالا و پایین دارد، به قله‌های دیگری می‌رسد و موج تازه‌ای از افزایش جمعیت دانش‌آموزی در سال‌های آتی را انتظار می‌کشد.

برنامه ریزی درسی پنهان

مفهوم برنامه‌ریزی درسی پنهان این ظرفیت را دارد که از طریق آن بتوان معضل و مسأله ملی را که اندکی پیش‌تر به آن اشاره کردیم، توضیح داد. کاری که آموزش و پرورش رسمی می‌خواهد از طریق

برنامه درسی پنهان با دانش‌آموزان بکنند در برابر خود بازی دانش‌آموزان با برنامه‌های رسمی را دارد که می‌توان به آن "برنامه درسی پنهان اما وارونه" اطلاق کرد. در این جا خواهیم کوشید به اختصار، ذیل این دو مفهوم، طرح بحث اولیهای عرضه کنیم. تصور این دانش‌آموز که به‌ضایعته آن است که مفهوم دوم برای حوزه مباحث اجتماعی و آموزشی ما، هنوز جای بحث زیادی دارد و باید از محدوده محافل و نشریات تخصصی به حیطه عمومی گسترش یابد. برنامه درسی پنهان بیش از نیم قرن است که در علوم آموزشی و اجتماعی دنیا مورد بحث قرار گرفته است. این برنامه در مقایسه با برنامه درسی رسمی (official یا formal) مطرح می‌شود. بیشترین توجه به برنامه درسی پنهان از سوی محققانی صورت گرفت که رویکرد انتقادی داشتند. مراد آن‌ها از برنامه درسی پنهان، انواع القائاتی بود که از سوی نظام‌های رسمی آموزشی و برنامه‌های درسی مصوب و اجرا شده توسط آن‌ها به صورت‌های ایدئولوژیک بر محیط‌های تربیتی دانش‌آموزان وارد و تحمیل می‌شد. برخی از این محققان آموزش و پرورش را در خدمت بازتولید علایق و منافع و ایدئولوژی‌های سیاسی مسلط می‌دیدند. ایلچ در "مدرسه‌زدایی جامعه"، ابل و کینگ در "بررسی آنچه مدارس به واقع یاد می‌دهند" و ارنسال در "تربیت پیاده نظام‌های سرمایه‌داری" این رهیافت را دنبال کرده‌اند و نقش برنامه درسی مستور در نظام‌های آموزشی رسمی را مورد مناقه و باریک‌بینی قرار داده‌اند که چگونه در خدمت گروه‌های مسلط منفعتی، منزلتی و معرفتی است. فریزر و ساکر، کاری، گولدینگ و کلیو توضیح داده‌اند که طی سال‌های متمادی گذشته برنامه درسی پنهانی در مدارس جریان داشت که به بازتولید کلیشه‌های تک‌جنسیتی مردانه کمک می‌کردند و تصویر درجه دومی از زنان را بر می‌ساختند.

پیتر چکسون بحث کرده است که چگونه روال‌ها و مقررات و قواعدی به صورت پنهان در آموزش‌های

رسمی مدرسه نفوذ می‌کنند و در تعلیم و تربیت فرزندان بیش از برنامه‌های آشکار، تاثیر می‌نهند. مثلاً برغم توصیفات ظاهراً مثبتی که از دانش‌آموزان در متن‌های رسمی برنامه درسی و در گفتارهای رسمی اظهار شده متداول در آموزش و پرورش به چشم می‌خورد روال‌ها و مقررات و قواعد واقعا موجود و معمول به گونه‌ای هستند که به دانش‌آموزان تصویری منفی از خودشان می‌دهند به آن‌ها تلقین می‌کنند که بی در پی گناهکارند و باید از بیرون کنترل بشوند عزت نفس اخلاقی و معنوی آن‌ها را تضعیف می‌کنند پرسشگری‌ها، ماجراهای ذهنی و پوش‌های طبیعی درونسی آن‌ها را خاموش می‌سازند و شفافیت رفتار را از آنان سلب می‌کنند. آنچه از آن‌ها باقی می‌ماند جوانانی است که قابلیت‌ها و مصونیت‌های درونزای اخلاقی و معنوی‌شان در هم شکسته است؛ آنان باید با زحمت بسیار، هویت‌های فردی متنوع و پویای خود را با هویت‌های مشترک اجتماعی و ملی و بشری همداستان بکنند. اشنايدر^۱ به ایما و اشاره مستتر در نظام‌های رسمی آموزشی پرداخته که به صورت پنهان رد و بدل می‌شود و قواعدی از رفتار متقابل را بازتولید می‌کند. در پس تعارفات و اظهارات و بیانیه‌ها و سخنان رسمی متداول در مدرسه و متون درسی و گفتارهای متولیان، اشاره‌ها و القائات مستتری وجود دارند که در نهایت تعیین‌کننده رفتارها و روابط و آموزش‌دهنده دانش‌آموزان خواهند بود. مثلاً از همین طریق است که الگوهای خاصی از رفتار اجتماعی، مانند ریاکاری و رفتارهای چندگانه شکل می‌گیرند یا روح مقاومت و حتی عصیان تحریک می‌شود و هنجارگریزی‌ها رواج می‌یابند.

برنامه ریزی درسی پنهان اما وارونه

تا این جا ملاحظه می‌شود که برنامه درسی پنهان، کمندی است که از بالای سطوح نظام‌های رسمی آموزشی بر دانش‌آموزان افکنده می‌شود. اما سیر ماجرا و اطراف دیگر قضایا، بغایت پیچیده‌تر از این‌هاست. دانش‌آموزان نیز بی‌کار نمی‌نشینند و در برابر برنامه

درسی پنهان القا شده از بالا و دیوارهای آموزش رسمی، به طور ضمنی و مستور، عمل و حتی مقاومت می‌کنند. جریان معکوس از برنامه درسی پنهان، اما این بار از قاعده هرم، سر بر می‌آورد که هم با برنامه‌های درسی رسمی و هم با آن برنامه درسی پنهان که در سطور فوق شرح داده شده بازی می‌کند و درگیر می‌شود. این همان مفهوم دوم مورد نظر در این مقاله یعنی «برنامه درسی مستور و معکوس» است. سمبل و مک‌داول^{۱۱} در توضیح «برساخته شدن برنامه درسی پنهان»، از جریان‌های نشانه‌ای، ارتباطی و رفتاری و هنجاری معکوسی بحث می‌کنند که به صورت سایه و ناشفاف و مستتر در برابر بیانیه‌ها و شعار و اسناد و متون و آموزش‌های رسمی ملارس شکل می‌گیرند و به طرز پیچیده عمل می‌کنند.

اگر باید سرخ‌های «برنامه درسی پنهان» را در بالا و در سیاست‌های رسمی ضمنی و در زوایای تاریک ایدئولوژی‌های مستقر و در گروه‌های منفعتی و منزلتی غالب و در پشت مقررات رسمی و القانات هرم نظام آموزشی جستجو بکنیم، رد پای «برنامه درسی پنهان وارونه» را بر عکس، باید در پایین و در سیاست‌های هویتی دانش‌آموزان و خوظاطه‌اری و خود فکوری^{۱۲} آنان و سبک زندگی و معانی پس پشت ذهن و رفتار و ارتباطات‌شان پیجویی کنیم. آنان تجربیات غیررسمی خود را از محیط‌های خصوصی‌تر خانوادگی، از گروه‌های دوستی، از میهمانی‌ها و خرده‌فرهنگ‌های جوانی، از محله و کوچه و خیابان، از فرهنگ فولکلور، از تلفن‌های همراه و اس‌ام‌اس‌ها و بلوتوث‌ها، از محیط‌های چت و

تویتر و یوتیوب و فیس‌بوک، از وبلاگ‌ها و بازی‌ها و سرگرمی‌ها و روابط و رسانه‌ها با خود حمل می‌کنند و تا محیط مدرسه و کربورها و درون کلاس‌ها می‌کشاند و با برنامه‌های درسی رسمی به شدت و عمیقاً درمی‌آمیزند. تجربیات و افکار و برساخته‌ها و آموخته‌های دیگر دانش‌آموزان^{۱۳} مثلاً از اینترنت و گروه‌های دوستی و ماهواره‌ها و... به مدرسه یا کلاس درس می‌آیند و زمینه‌ها و شرایط شخصی و اجتماعی‌شان را به طور پنهان و غیررسمی و ناوخته در جریان‌های آموزشی رسمی دخالت می‌دهند. **ناکارآمدی پدگوزی کلیشه‌ای و ایدئولوژیک** نگاه سنتی به برنامه درسی، آن را یک سند مکتوب و به مثابه یک جریان فنی یا تکنولوژیک می‌انگارد و انتظار دارد تمام اجزاء و مراحل تدریس به صورت مجموعه تصمیمات از پیش تعیین شده به مورد اجرا گذاشته شوند.^{۱۴} اما در نگاه‌های عمیق‌تر پدیدارشناختی، به تجربه‌های زیسته شلده دانش‌آموزان توجه می‌شود. این طرز نگاه اکنون در گفتمان رسمی تعلیم و تربیت کشور، مغفول واقع شده است. برنامه درسی پنهان از نوع معکوس آن، در ضمن این تجربه‌های زیسته متاثر از زیست جهان اجتماعی دانش‌آموزان وارد عمل می‌شود. بر اثر این فعل و انفعالات پیچیده است که برنامه درسی رسمی مورد انتظار مراجع رسمی آموزش و پرورش^{۱۵} لزوماً متحقق نمی‌شود. میان برنامه کسب شده^{۱۶} و تجربه شده واقعی دانش‌آموزان^{۱۷}، با برنامه قصد شده^{۱۸} و مصوب و ابلاغ شده و حتی ظاهر اجرا شده اولیای امر، فاصله عظیمی به وجود می‌آید. دانش‌آموزان هدف‌هایی به جز هدف‌ها یا نتایج قصد شده مراجع رسمی دنبال می‌کنند.^{۱۹} به عبارت دیگر، می‌توان گفت آن نقشی که رسماً از آموزش و پرورش انتظار می‌رود (و البته غالباً هم انتظارات گزاف و غیرواقع بینانه و نامعقول و پس افتاده‌ای است)، با وجود صرف هزینه‌های بسیار، در عمل چندان نیز با موفقیت همراه نیست و عملکرد واقعا تحقق یافته مشاهده شده در رفتار و ارتباطات دانش‌آموزان به گونه‌ای دیگر پیش می‌رود. آموزش‌های کلیشه‌ای مستقیم، عملاً نه تنها کارساز نمی‌شوند، نتایج معکوسی هم به بار می‌آورند. اندرزهای طولانی، ملال‌آور می‌شوند و به صورت ضد اندرز در می‌آیند. نمادها و نشانه‌های یکنواخته ذهن بچه‌ها را خسته و شرطی می‌کنند؛ پیام‌های شرعی و اخلاقی سختگیرانه با خود دلزدگی و پس‌زدگی به همراه می‌آورند؛ میل به کنترل، در برابر خود روح مقاومت بر می‌انگیزد؛ مناسک و آیین‌های رسمی به دلیل بیگانگی با تحولات زیست جهان واقعی نوجوانان و جوانان، از خاصیت برانگیختن و



طراح: نوک پناکار

(pp. 29-63). Berkely: McCutchan, 1977.

4. Ehrensals, K.: "Training capitalism's foot soldiers" In E. Margolis (Ed.), The hidden curriculum of higher education, New York: Routledge, 2001.

5. Frazier, N., & Sadker, M.: Sexism in school and society, New York: Harper & Row, 1973.

6. Curry, M. J.: "Preparing to be privatized: The hidden curriculum of a community college ESL Writing Class", In E. Margolis (Ed.), The hidden curriculum of higher education (pp. 175-192), London: Routledge, 2001.

7. Goulding, A., & Cleeve, M.: Gender and equity in the library and information studies curriculum: Building confidence for the future, Proceedings of the 63rd conference of the International Federation of Library Associations and Institutions, 1997.

<http://www.ifla.org/IV/ifla63/63goua.htm>

8. Anderson, Terry: "Revealing The Hidden Curriculum of E-Learning". In Vrasidas, C., & Glass, G. V. (2002), Eds, Current Perspectives in Applied Information Technologies, Volume I: Distance Learning, Greenwich, CT: Information Age Publishing, 2002.

9. Jackson, P.: Life in classrooms, New York: Holt, Rinehart & Winston, 1968.

10. Snyder, B.: The hidden curriculum, New York: Knopf, 1970.

11. Sambell, K., & McDowell, L.: (1998) The construction of the hidden, curriculum: Messages and meanings in the assessment of student learning. Assessment & Evaluation in Higher Education, 23(4), 391-403. Available online at <http://www1.appstate.edu/~moormang/wwwboard2/messages/298.html>.

12. Self -reflection

13. Fathi-Vajargah, K. & Zimitat, C.: Experiential curriculum Target Journal: Curriculum Studies, 2007.

14. Omesten A.C, Hunkins F.P: Curriculum Foundation Principles and Issue, A Viacom company, United state of America, 1998.

15. Expected Curriculum

16. Attained

17. Aoki, Ted, (2005) Curriculum in a New Key, Lawrence Erlbaum Associates, Inc., Publisher, United States of America :- Aoki, Ted T., (1988) "Towards a Dialectic between the Conceptual Word and the Lived World: Transcending Instrumentalism in Curriculum Orientation." In W. F. Pinar, (Ed.), Contemporary Curriculum Discourses, Scottsdale, Arizona, Gorsuch Scarisbrick Publishers ; Van Manen, Max (2006), The Tact of teaching, The Althouse Press, The University of Western Ontario :- Van. Manen, Max (1990), Researching lived experience: Human Science for an Action Sensitive Pedagogy, State University of New York Press;

و مهر محمدی، محمود: نظرگاه‌ها، رویکردها، چشم‌اندازها، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۸۱.

18. Intended

۱۹. زیرو، پینا و پاینار: نگاه کلی به قلمرو برنامه درسی، ترجمه مصطفی شریف، ۱۳۸۱ در مهر محمدی، پیشین.

مشگی‌گذاری‌های عمومی آموزشی در کشور کمک کنند. وزارت محوری و فوق وزارت محوری باید جای خود را به مدرسه‌محوری دهد. مشارکت نهادهای حقیقی اولیای مدرسه و خانواده به صورت غیرفرمایشی، می‌تواند بسیاری از مسائل تعلیم و تربیت فرزندان این سرزمین را به گونه‌ای رضایت‌بخش‌تر ردیابی و پیگیری کند. مشارکت خود دانش‌آموزان در مدرسه، راه‌های درست موثری دارد.

دنیای واقعی زندگی بچه‌ها از این طریق است که شناخته و ادراک می‌شود. برنامه درسی نخبه‌گرایانه "خیلی بزرگ‌ترها" برای نسل ایکس (X) در عمل با شکست مواجه شده است. حاشیه‌های کلاس و مدرسه مهم‌تر از متن‌های رسماً اعمال شده بر آن است. باید به دنیای زندگی دانش‌آموزان گوش سپرد. صداهای آهسته ولی عمیقاً وجودی آن‌ها، امیال و انتخاب‌ها و نیازهای نوپدیدشان در این جهان متحول، باید شنیده و فهمیده شود. زیست‌جهان آنان بسیار متفرد و متنوع و پلورال است و از سیستم‌های آموزشی کلیشه‌ای و یکنواخت خسته شده است.

زندگی واقعی دانش‌آموزان از برنامه‌های رسمی درسی و غیردرسی بسیار فراتر می‌رود. یا آن‌ها را دور می‌زند و یا حتی به اشکال مختلفه مقاومت می‌کند. هدف‌گذاری‌های فرهنگی و تربیتی با آمیزه غلیظ ایدئولوژیک و سیاسی، در عمل با پیامدهای نامطلوبی همراه بوده است. در برنامه درسی رسمی، اغلب این "غایات کلی و کلان و جامع و رسماً صورت‌بندی شده" است که به عنوان اهداف برنامه مد نظر قرار می‌گیرد. اگر این امر صورت ایدئولوژیک دولتی هم به خود بگیرد و در روایت انحصاری او از شریعت محصور آید و به گونه متمرکز اعمال شود، مساله هر چه بیشتر پیچیده می‌شود. در حالی که برنامه درسی رسمی معمولاً مبتنی بر غایات است "برنامه درسی پنهان وارونه" مبتنی بر میل‌هاست. میل دانش‌آموزان و معلمان نسبت به امور زندگی، بسیار متنوع‌تر و منعطف‌تر است و به اقتضای موقعیت‌های متحول و متنوع زیست روزمره آنان و بر حسب مسائل ملموس‌شان شکل می‌گیرد. بیگانگی برنامه‌های درسی رسمی با زیست‌جهان دانش‌آموزان، در عمل به بیگانگی غایات کلیشه‌ای با نیازهای وجودی و به شکاف میان اهداف قالبی با امیال و احوال واقعی انجامیده است. آموزش و پرورش آینده آموزش و پرورش هم‌نوا با تجربه‌های زیسته دانش‌آموزان است.

پانوش‌ها

1. Hidden Curriculum
2. Illich, I.: Deschooling Society, New York: Harper and Row, 1971.
3. Apple, M., & King, N.: "What do schools teach?" In R. Weller (Ed.), Humanistic Education,

معنا دلان، تهی می‌شوند و در برابرشان، عملکردهای غیررسمی با خصوصیت نفوذ و اثرگذاری و رشد جهشی عجیبی شکل می‌گیرد و گسترش می‌یابد. در شوخی‌ها و متلک‌های دانش‌آموزان بر سر کلاس، در ادبیات مرسوم و رایج‌شان، آنچه در کیف‌هایشان می‌آورند یا در درون گوشی‌ها و ایمیل‌هایشان دارند معانی‌ای که رد و بدل می‌کنند در آن سوی چهره‌ها و رفتارهای رسمی‌شان، در سبک زندگی و ارتباطات و در زندگی روزمره‌شان، در رنگ‌های تفریح، در حیاط مدرسه و در مسیر رفت و آمدها و دوستی‌ها و روابط پیرامونی‌شان در طول زمان تحصیل و اوقات فراغت‌شان، می‌توان شواهدی از عملکردی را دید که چندان مورد انتظار هدف‌های مصوب و ابلاغی و ظاهراً اعمال شده اولیای رسمی نظام آموزش و پرورش نیستند. این از ناکارآمدی پدگوزی ایدئولوژیک آن‌هم به شکل رسمی و دولتی حکایت دارد.

راه برون شدن

مساله غامض‌تر از آن است که راه‌حل‌های ساده‌نگارانه به حلش کمک کنند. گاهی "زمان" عامل تعیین‌کننده است؛ در حل مسائل، زمان، متغیر تعدیل‌کننده‌ای است که مداخلت نام دارد. آنچه اکنون می‌توان با اطمینان گفته این است که نظام آموزش و پرورش کشور باید به سوی جهان واقعی زندگی دانش‌آموزان برگردد. غائبین دنیای پیچیده تعلیم و تربیت را به مرکز ماجرا فرا بخواند و حاشیه‌ها را به متن تصمیم‌گیری‌ها دعوت کند. دولت در همه جای دنیا، حامی موثر آموزش و پرورش عمومی است اما این کار را با مشارکت واقعی و موثر نهادهای مدنی و غیردولتی و اجتماعات محله‌ای انجام می‌دهد. برنامه درسی پنهان وارونه، مالا مال از تفاوت و تکتک است. موقعیت‌های محلی، قومی و فرهنگی دانش‌آموزان و هویت‌ها و سبک‌های زندگی آن‌ها، چه بخواهیم و چه نخواهیم، به سر کلاس درس می‌آیند. دانش‌آموزان تجارب زیسته خود در خانواده‌ها، گروه‌های دوستی، روابط کوچک و خیابان، ارتباطات مجازی، محیط‌های رسانه‌ای و اجتماعی، ادبیات فولکلور و خرده‌فرهنگ‌ها را با خود حمل می‌کنند و به صورت نگرش‌ها و انتظارات و هنجارها و ترجیحات و امیال به محیط درسی می‌آورند. برنامه‌های درسی رسمی باید با آن‌ها هم‌نوا و همراهی داشته باشند تا بتوانند کار مطلوب رضایت‌بخشی انجام دهند.

محتوای آموزش و پرورش، چیزی نیست که در چارچوب‌های تنگ ایدئولوژی دولتی تعیین شود بلکه متفکران مستقل، خیره‌های موضوع و کارشناسان آزاد مجامع معلمان و نهادهای حرفه‌ای و تخصصی هستند که باید به میدان بیایند و به نظام خط